

نشست‌های برگزار شده در پارک علم و فناوری

عنوان نشست: حل مسائل کشور در حوزه اشتغال، نوآوری، کارآفرینی و
فناوری با تمرکز بر کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک

واحد برگزار کننده نشست:	پارک علم و فناوری دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	دکتر محسن مطیعی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۱/۰۹/۲۱
اعضای هیأت علمی:	دکتر مهدی گودرزی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر مرتضی نیازی (معاون توسعه اشتغال اجتماع محور بنیاد برکت)، دکتر رحیم سرهنگی (رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی)، دکتر عزیزالله قربانی (معاون صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران)، مهندس شفیع زادگان (مدیر کارآفرینی معاونت صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران)
مسأله محوری نشست:	تبیین ابعاد مختلف کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک و تقابل با بنگاه‌های بزرگ، شناخت نهادها و عوامل مؤثر در زیست‌بوم نوآوری کشور و تمرکز بیشتر به سمت دانشگاه‌ها، طرح مسائل کلیدی کسب‌وکارهای نوپا
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام و سایر نهادهای انقلابی مؤثر در توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت

چکیده مباحث طرح‌شده (مقدمه، چالش‌ها و مشکلات پیش رو):

نشست «حل مسائل کشور در حوزه اشتغال، نوآوری، کارآفرینی و فناوری با تمرکز بر کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک» در چارچوب سلسله نشست‌های کمک به حل مشکلات کشور در دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد.

تغییر از رویکرد معطوف به توسعه صرفاً کمی دانشگاه به رویکرد کیفی نیازمحور، مزیت‌محور و اولویت‌محور حیاتی است. جهاد علمی برای تحقق دانشگاه کارآفرین همراه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توسعه و ارتقای زیر ساخت شبکه فناوری اطلاعات، پیشرفت و ارتقای کیفیت و هدفمند کردن پژوهش‌های بنیادی و کاربردی، تسهیل و توسعه هدفمند و برنامه‌محور همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی، ساماندهی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی، تمرکز بر اثربخشی کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک در حل مسائل اساسی کشور از دیگر ضروریات این حوزه است.

در راستای حل معضل بیکاری، راهکارهای مختلفی تاکنون در کشور برنامه‌ریزی و اجرا شده است. این راهکارها را می‌توان در دو محور اصلی دسته‌بندی کرد؛ **اشتغال‌زایی و اشتغال‌پذیری**.

- **اشتغال‌زایی**؛ ایجاد شغل، فراهم کردن بستر و شرایط برای رشد کارآفرینی و در دسترس بودن مشاغل مختلف برای عموم افراد.
- **اشتغال‌پذیری**؛ توانمندسازی و مهارت‌افزایی افراد برای کسب شغل موردنظرشان، نگهداشت آن و در صورت لزوم جابه‌جایی شغلی.

هر یک از این محورها در جایگاه خود به بررسی، برنامه‌ریزی و حمایت نیاز دارند. در کشور ما همواره تأکید زیادی بر **اشتغال‌زایی**، **ایجاد شغل بیشتر** و کارآفرینی بوده و در سال‌های متمادی، طرح و برنامه‌های متعددی در این حوزه اجرا شده است؛ اما **ایجاد شغل به تنهایی نتوانسته مسئله بیکاری جوانان و نیازهای بازار کار را برطرف کند**.

دانش‌آموختگان دانشگاهی بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی دارای مهارت‌ها و تخصص‌های موردنیاز بازار کار نیستند و باید پس از آن، آموزش‌های عمومی، حرفه‌ای و تخصصی موردنیاز را فراگیرند. این مهارت‌ها و توانایی‌ها را می‌توان در **اشتغال‌پذیری** افراد دید.

کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک

کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک در کشورهای مختلف جهان دارای شباهت‌های بسیاری هستند اما با این وجود، نمی‌توان تعریف واحد و یکسانی از آن‌ها ارائه داد و هر کشور با توجه به شرایط خاص خود، تعریفی از آن‌ها ارائه کرده است. در برخی از کشورها، این تعریف تنها بر اساس تعداد نیروی کار شکل می‌گیرد، در حالی که در برخی دیگر، متغیرهای مالی مانند گردش مالی و یا دارایی‌ها نیز در این تعریف گنجانده می‌شود. با این حال، مهم‌ترین متغیری که مبنای تمامی تعاریف ارائه شده قرار می‌گیرد، تعداد کارکنان می‌باشد که از این متغیر نیز در کشورهای مختلف و حتی در صنایع مختلف، تعاریف متفاوتی ارائه شده است.

طبق تعریفی که بانک جهانی از کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک ارائه داده، این کسب‌وکارها به بنگاه‌هایی اطلاق می‌گردد که دارای حداکثر ۳۰۰ پرسنل بوده و فروش کل سالیانه آن از ۱۵ میلیون دلار تجاوز نکند. بر اساس تعریف ارائه شده از سوی این بانک، چنین کسب‌وکارهای را می‌توان به سه طبقه خرد، کوچک و متوسط تقسیم کرد:

طبقه‌بندی کسب‌وکارها	تعداد پرسنل	کل دارایی‌ها/فروش سالانه
کسب‌وکارهای خرد	کمتر از ۱۰ نفر	کمتر از ۱۰۰ هزار دلار
کسب‌وکارهای کوچک	بین ۱۰ تا ۵۰ نفر	بین ۱۰۰ هزار و ۳ میلیون دلار
کسب‌وکارهای متوسط	بین ۵۰ تا ۳۰۰ نفر	بین ۳ میلیون و ۱۵ میلیون دلار

منبع. طبقه‌بندی کسب‌وکارها بر اساس تعریف بانک جهانی

در ایران نیز تعریف کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک از سازمانی به سازمان دیگر فرق می‌کند و تعریف واحد و مشترکی در این خصوص وجود ندارد. ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف هر یک بنا به مقتضیات کاری خود، تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. وزارتخانه‌های ذی‌ربط اعم از وزارت صنعت، معدن و تجارت یک تعریف از این کسب‌وکارها دارند و بانک مرکزی و مرکز آمار نیز هر یک تعاریف متفاوتی از این بنگاه‌ها ارائه داده‌اند. شاخص‌های مختلفی برای تعریف این کسب‌وکارها وجود دارد اما شاخصی

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۳۴۸

که در این تعاریف مشترک است، تعداد کارکنان این کسب‌وکارها می‌باشد. به عنوان نمونه در طبقه‌بندی اداره آمار بانک مرکزی واحدهای با کمتر از ۱۰ پرسنل «خرد»، ۱۰ تا ۴۹ پرسنل «کوچک»، ۵۰ تا ۹۹ پرسنل «متوسط» و بالاتر از ۱۰۰ پرسنل «بزرگ» نامیده می‌شوند.

اهمیت کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک در اقتصاد

تردیدی وجود ندارد که عملکرد کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک برای توسعه اقتصادی اکثر کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است، به همین دلیل، این کسب‌وکارها همیشه تحت حمایت زیاد دولت کشور خود قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن، سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از کشورها نیز از طریق همکاری‌های دوجانبه کمک‌های زیادی از لحاظ مالی و فنی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نموده‌اند تا جایگاه ارزشمند خود را در کشورهای در حال توسعه پیدا کنند.

بخش کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک اهمیت زیادی برای اقتصاد کشورها دارد؛ چرا که کمک شایان توجهی به اشتغال و تولید ناخالص ملی کرده و رشد این بخش باعث رسمیت بخشیدن به اقتصاد می‌گردد. در بسیاری از کشورها اکثر مشاغل توسط این بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. در ۳۰ کشوری که ۱۰۰ نفر یا کمتر درآمد در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) هستند، بیش از دو سوم افراد شاغل در کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک مشغول به کار هستند.

برای مثال، طبق بررسی‌های به عمل آمده، کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک در برگیرنده بیش از ۹۹ درصد نهادهای کسب‌وکار در آمریکا بوده و بیش از ۸۰ درصد نیروی کار این کشور در این کسب‌وکارها مشغول بکار هستند. کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک در کشورهای صنعتی از قبیل ژاپن، استرالیا، آلمان، فرانسه و کانادا نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و به عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی و پیشرفت فناوری محسوب می‌شوند. همچنین این کسب‌وکارها به دلیل برخورداری از پتانسیل لازم جهت بهبود توزیع

درآمد، ایجاد اشتغال، کاهش فقر، رشد صادرات و خلق کارآفرینی، نقشی حیاتی در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند.

ارائه خدمات مالی و بانکی به بخش کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک نیز به دلیل اهمیت این بخش در تمامی کشورها از لحاظ اقتصادی بسیار ارزشمند است. به خصوص در کشورهایی با درآمد پایین، بانک‌ها می‌توانند نقشی اساسی در این حوزه ایفا کنند؛ به طوری که ارائه تسهیلات بانکی می‌تواند انگیزه کافی برای بخش غیر رسمی ایجاد کند تا برای دریافت این گونه تسهیلات تمایل بیشتری به ثبت کسب و کار خود و رسمیت بخشیدن به آن داشته باشند.

بخشی از فرایند توسعه کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک با اعطای تسهیلات مالی همراه خواهد بود که در همکاری مشترک با سازمان صنایع کوچک و بنیاد برکت، شرایطی برای استارت‌آپ‌ها فراهم شود تا برای گسترش فعالیت‌هایشان، تسهیلات مالی دریافت کنند. برای تقویت و ایجاد توازن در اکوسیستم اشتغال‌پذیری کشور و رفع چالش‌های پیش روی کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک، نیاز به تأسیس نهادی اختصاصی است که بتواند بر پایه توانمندی‌ها و ظرفیت خود، به ایجاد استارت‌آپ‌های جدید برای جبران فراوانی پایین و نامتوازن آن‌ها کمک کرده و فرایند رشد استارت‌آپ‌های موجود را با هدف افزایش توان و ظرفیت خدمت‌رسانی آن‌ها تسهیل کند.

کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی، نقش اساسی در فرایند توسعه جوامع دارند. از آنجا که نمی‌توان اثر کسب و کارهای کوچک را در رشد اقتصادی کشورها نادیده گرفت، برای پیشرو بودن در این امر، کشورها اقدام به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت کرده و مشوق‌ها و شرایطی را به وجود می‌آورند تا از پتانسیل سازنده کسب و کارهای کوچک و متوسط برای رسیدن به رشدی پایدار استفاده نمایند.

توسعه کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک، رمز توسعه اقتصادی دهه آینده است. بررسی‌ها نشان داده است که کسب و کارهای خرد و صنایع کوچک از طریق چهار کانال

کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیر گذارند. در دو دهه اخیر تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی در بازارهای جهانی رخ داده است؛ و ماهیت کسب‌وکارها تغییراتی اساسی کرده است؛ به موازات آن، دوره تولید محوری به انتهای حیات خود رسیده و دوره مشتری محوری در حال شکل‌گیری است. تولیدکنندگان صنعتی، با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، تمهیداتی اندیشیده‌اند که نتیجه آن تغییر در ساختار صنعتی خواهد بود. یکی از مشخصات بارز و اصلی این تغییر ساختار، رشد و ترویج بیش از پیش کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک است.

ایجاد و حمایت از کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه می‌باشد. بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال و فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری و افزایش صادرات نقش مهمی دارند. این قبیل از کسب‌وکارها از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند و کارآفرینی و خلاقیت بیشتری در آنها صورت می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریع‌تر واکنش نشان دهند و ریسک کمتری را نسبت به شرکت‌های بزرگ متحمل می‌شوند.

تحولات پیچیده و سریع چند دهه اخیر و نیز شتاب‌گیری روند جهانی شدن موجب شده است تا جوامع گوناگون تلاش کنند تا بیش از پیش خود را برای پذیرش تحول آماده کنند. آنچه که تا چند دهه پیش به عنوان یک امتیاز اقتصادی تلقی می‌شد، عبارت بود از برپایی و فعال نگه‌داشتن کسب‌وکارهای بزرگ و چنین استدلال می‌شد که هرچه این کسب‌وکارها بزرگ‌تر باشند، اقتصاد پویاتر و قدرتمندتر می‌گردد. اگرچه این تفکر طی چندین دهه رونق گرفت و بر پایه آن شرکت‌های غول‌پیکری هم پدیدار شدند؛ ولی تحولات اخیر و به ویژه فشارهای جمعیتی، نوآوری‌های لحظه به لحظه، پیچیده‌تر شدن فرایندهای مدیریتی و

تصمیم‌گیری، نیاز به تصمیم‌گیری‌های آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیت‌های کسب‌وکارهای خرد و صنایع کوچک اهمیت این بنگاه‌ها را نمایان ساخته است. امروزه به منظور حمایت و مرتفع‌سازی مشکلاتی که این‌گونه کسب‌وکارها با آن‌ها روبه‌رو هستند، در کشورهای مختلف قوانین و تسهیلات گوناگونی برای حمایت از آن‌ها به وجود آمده است و ایجاد فضای مناسب برای کمک به رشد و توسعه آن‌ها یکی از مسئولیت‌های اصلی دولت‌ها است. در کشور ما نیز برای نیل به اهداف مورد نظر اهتمام ویژه‌ای بر حمایت از این‌گونه واحدها در پیش گرفته شده است.

نتایج حاصل از نشست:

- ۱- در مسأله اشتغال، نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های بسیار مهم برای دولت‌هاست؛ برای اینکه بتوانید نرخ تورم را کنترل و مهار کنیم، لازم است در سبدمان حتماً مشاغل خرد و خانگی را با هم داشته باشیم.
- ۲- اقتصاد پویا و رو به توسعه باید صنایع کوچک، کسب‌وکارهای خرد و متوسط و کسب‌وکارها و صنایع بزرگ را در دل خود داشته باشد.
- ۳- همه کشورها از سه بخش استراتژی، اشتغال و کسب‌وکار استفاده می‌کنند. در موضوع فرآیند توسعه برخی از کشورها به مرحله‌ای رسیده‌اند که باید صنایع سنگین‌شان را بیشتر توسعه دهند. بعضی از کشورها در فرآیند توسعه هم باید کارآفرین‌ها را شناسایی، تربیت یا امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهند. کشور ما شاید در این مرحله است و متناسب با شرایط باید از این افراد حمایت شود.
- ۴- در حال حاضر ۹۴ درصد از صنایع کشور ما، صنایع کوچک هستند و وظایف سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در دو بخش خلاصه می‌شود:
 - ۱- ایجاد زیرساخت‌های صنعتی ۲- حمایت از صنایع کوچک و متوسطی که در این زیرساخت‌ها مستقر می‌شوند.

- ۵- کسب و کارهای کوچک به پایداری توجه می‌کنند از این جهت که چون فن آوری را همانند کسب و کارهای بزرگ استفاده نمی‌کنند و منابع طبیعی را از بین نمی‌برند به محیط زیست کمک می‌کنند؛ در حالی که کسب و کارهای بزرگ، بدون در نظر گرفتن تناسب تولید و منابع طبیعی، طبیعت را از بین می‌برند.
- ۶- در کسب و کارهای کوچک به نقش محوری انسان و خانواده مورد توجه قرار می‌گیرند، اما کسب و کارهای بزرگ فقط سراغ هدف می‌روند و زیاد به وسیله و اینکه به چه قیمتی اهداف محقق می‌شود توجه نمی‌کنند.
- ۷- در شهرک‌های صنعتی حدود ۴۹ هزار و ۸۸۲ واحد صنعتی وجود دارد که نزدیک به یک میلیون اشتغال در داخل آن‌ها به صورت پایدار فعالیت می‌کنند.
- ۸- وقتی که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی وارد مجمع صنعت می‌شوند؛ متأسفانه یافته‌ها و دستاوردهایی که در دانشگاه یاد گرفتند خیلی به کار صنعت نمی‌آید یا امکان استفاده از آن‌ها در صنعت وجود ندارد؛ بنابراین چیزی که مشاهده می‌شود این است که سازمان دوباره همه این فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که در داخل کارخانه‌ها کار می‌کنند را آموزش دهند؛ اما نوع آموزشی که در شهرک‌های صنعتی برگزار می‌شود با نوع آموزشی که در دانشگاه دریافت می‌کنید؛ خیلی متفاوت است.
- ۹- ورود دانشگاه‌ها به حوزه صنعت مشکلات علمی را مرتفع می‌کند؛ مشکلاتی که با یک طرح پژوهشی خیلی ساده یا یک طرح مطالعاتی خیلی سطحی و ساده قابل انجام است؛ پس صنایع می‌توانند در این زمینه همکاری با دانشگاه‌ها را فراهم کنند.
- ۱۰- یکی از مهم‌ترین موضوعات و چالش‌های موجود در کشور، چه در صنایع خرد، متوسط و بحث تأمین مالی است که مبتنی بر بانک است. اگر کارآفرینی بخواهد مبتنی بر بازار سرمایه شود باید از ابزارهای نوین استفاده کرد.
- ۱۱- در ایران متأسفانه در فروش محصولات و خدمات پس از فروش، نحوه فروش، مکانیسم‌های انگیزشی برای فروش به شدت دچار مشکل هستیم. این موضوع در صنایع متوسط و بزرگ و هم چنان تولیدات آن‌ها قابل مشاهده است.

- ۱۲- سرعت و نرخ رشد حرکت صنعت و تکنولوژی متأسفانه خیلی سریع‌تر از سرعت محتواهایی است که در دانشگاه تولید می‌شود. در تمام کارخانجاتی که ما در سراسر ایران داریم هر سال مجبورند تکنولوژی‌شان را تغییر دهند. این یک چالش خیلی بزرگ است که باید حاکمیت آن را حل کند.
- ۱۳- چالش نیروی انسانی در بخش تخصصی و کارگری متأسفانه چند سالی است که گریبان‌گیر بخش صنعت است و بحث مهاجرت استارت‌آپ‌ها و استادان؛ چالش نیروی انسانی نیمه‌ماهر را به چالش نیروی انسانی ماهر تبدیل کرده است.

توصیه‌های سیاستی:

- ۱- در سبد سیاست‌گذاری کلان کشور باید هم زمان مشاغل خرد و صنایع بزرگ مورد توجه قرار گیرند. در مسأله اشتغال نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های بزرگ برای دولت‌هاست تا بتوانند نرخ بیکاری را کنترل کنند بر همین اساس باید در سبد کاری حتماً مشاغل خرد و خانگی هم مورد توجه قرار گیرند.
- ۲- برای رسیدن به بهره‌وری یا ارزش افزوده بیشتر باید بخشی تاز سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع کوچک انجام شود به عنوان مثال باسلام یا دیجی‌کالا یک کسب‌وکار کلان است که از کسب‌وکارهای خرد تشکیل شده و اگر کسب‌وکارهای خرد نباشند موجودیت خودش را از دست می‌دهد.
- ۳- وقتی کسب‌وکارهای خرد آغاز به فعالیت می‌کنند بعد از مدتی از دل آن‌ها کسب‌وکارهای متوسط شناسایی می‌شوند که بعد مهم آن کارآفرینی است. وقتی فردی در اشل کوچک‌تر دست به راه‌اندازی کاری می‌کند با دانشی که کسب کرده و با همان متدولوژی می‌تواند کسب‌وکارهای بزرگ راه‌اندازی کند؛ و از حمایت‌های بیرونی بتوانند استفاده کنند به نوعی می‌توان گفت یک توسعه درون‌زایی اتفاق می‌افتد که از بیرون هم می‌توان به آن کمک کرد.

فصل دوم : توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۳۵۴

۴- بعضی از کشورها در فرآیند توسعه باید کارآفرین‌ها را شناسایی، تربیت یا امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهند. کشور ما شاید در این مرحله است و احتیاج است متناسب با شرایط کارآفرینان را مورد حمایت قرار دهند.

۵- سیاستی باید در کشور پیگیری شود که صنایع بزرگ و کوچک به موازات هم بر اساس مزیت‌های منطقه و مزیت‌های سرمایه‌گذاری راه‌اندازی شوند.

۶- روی فرهنگ سازمانی باید کار شود؛ زیرا بخش‌های مدیریتی در ایران به شدت خلأ دارند. تمام بخش‌های مدیریتی و ادبیاتی دنبال تولید خدمت هستند. در ایران در حوزه دولتی و خصوصی این موضوع به شدت قابل مشاهده است. این در حالی است که باید فرهنگی تحت عنوان خرید خدمت راه‌اندازی شود.